

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران؛ از نیروگاه بوشهر تا برجام

الهه کولایی^۱، هادی زرگری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶.۱۱.۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۰۴.۲۰

چکیده

روسیه یکی از بازیگران مؤثر در روند فنی و سیاسی برنامه هسته‌ای ایران بوده است؛ اما دیدگاه‌های یکسانی نسبت به رویکرد آن وجود ندارد. به‌منظور ارزیابی این دیدگاه‌ها، پرسش این پژوهش این است که عامل یا عوامل مؤثر در شکل‌دهی به رویکرد و رفتارهای فنی و سیاسی روسیه به برنامه هسته‌ای کشورمان چیست؟ در پاسخ به پرسش فوق، این فرضیه مطرح است که رویکرد مسکو را باید در قالب کلان‌سیاست خارجی آن و در رابطه با نقش‌های جهانی، منطقه‌ای و هسته‌ای سیاست خارجی روسیه، متأثر از گفتمان‌های هویتی این کشور ارزیابی کرد. در این زمینه، کوشش مسکو برای ایفای نقش‌های جهانی و منطقه‌ای و آیین هسته‌ای این کشور، در کنار عوامل اقتصادی و بین‌المللی در دوره‌های زمانی مختلف در کنار هم، تأثیرگذاری متفاوتی در چارچوب گفتمان‌های هویتی در گذر زمان، در شکل‌دهی به رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران و سطح همکاری یا همسویی فنی و سیاسی با آن داشته‌اند. لذا تأکید صرف بر عوامل اقتصادی یا بین‌المللی، نه تنها به تقلیل‌گرایی منجر می‌شود؛ بلکه تغییر در مواضع و رفتارهای روسیه را نیز تبیین نمی‌کند. این پژوهش برای بررسی فرضیه خود از روش توصیفی-تحلیلی و نیز استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه بهره برده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی روسیه، برنامه هسته‌ای ایران، گفتمان‌های هویتی روسیه، عوامل اقتصادی، عوامل بین‌المللی، نقش سیاست خارجی

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. (نویسنده مسؤل)، دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران، تهران، ایران zargari_hadi@ut.ac.ir

مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران و روندهای فنی و سیاسی آن، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های سیاست خارجی کشورمان در ۱۵ سال گذشته بوده است. آنچه بر حساسیت این موضوع افزوده، این نکته است که اهمیت این موضوع به سیاست خارجی ایران محدود نشده و پرونده هسته‌ای ایران به یکی از موضوع‌های مورد توجه سیاست خارجی قدرتهای بزرگ تبدیل شده است. علاوه بر این، نحوه عملکرد و مواضع این قدرت‌ها نیز بر سرنوشت برنامه هسته‌ای کشورمان تاثیرگذار بوده است. لذا شناخت و درک سیاست خارجی این قدرت‌ها، اهمیت قابل توجهی در بررسی روند پرونده هسته‌ای ایران و سرنوشت این برنامه دارد. روسیه یکی از بازیگران مهم در این رابطه محسوب می‌شود که به واسطه عضویت در شورای امنیت و حضور در مذاکرات هسته‌ای، تأثیراتی در روند برنامه هسته‌ای کشورمان داشته است؛ اما آنچه ضرورت درک مواضع روسیه و عوامل مؤثر در شکل‌دهی به رویکرد آن را مهم‌تر کرده است، به همکاری‌های فنی این کشور با جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای برمی‌گردد. با توجه به اهمیت شناخت رویکرد روسیه و عوامل مؤثر در شکل‌دهی به آن، تاکنون پژوهش‌های مختلفی در این مورد صورت گرفته و هر یک بر عوامل متفاوتی در رابطه با رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی تا زمان کسب توافق هسته‌ای (برجام) در سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) تاکید داشته‌اند. عوامل اقتصادی و عناصر موجود در سطح بین‌المللی یا کنشگران ثالث، مهم‌ترین عوامل مورد تاکید اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه بوده‌اند.

با آنکه هر یک از این آثار بر یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در موضوع هسته‌ای ایران تاکید داشته‌اند، از دیدگاه نگارندگان این نوشتار، تأکید صرف بر یکی از این عوامل نه تنها شناخت جامعی از عوامل شکل‌دهنده به رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران ارائه نداده است؛ بلکه توان تبیین تغییرات در مواضع و رفتارهای

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران: .../ ۳۱

روسیه نسبت به این موضوع را نیز نداشته است. لذا این پژوهش با هدف در نظر داشتن همه عوامل مادی و غیرمادی در سطوح مختلف داخلی روسیه، منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر رویکرد روسیه و با تکیه بر چارچوب نظری سازه‌نگاری در پی شناخت عوامل مؤثر در رویکرد روسیه بر مبنای گفتمان‌های هویتی غالب در این کشور و تأثیر این گفتمان‌ها بر سیاست خارجی این کشور است؛ به طوری که هر یک از گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه در گذر زمان با تعریف نقش‌هایی برای سیاست خارجی روسیه و متعاقب آن تعریف منافع این کشور، چارچوب‌های سیاست این کشور در قبال ایران و موضوع‌های مرتبط با آن را شکل داده‌اند.

شایان ذکر است در این پژوهش از گردآوری داده‌ها با منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی همراه با مصاحبه استفاده شده و پس از جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش توصیفی-تحلیلی برای تجزیه و تحلیل آنها بهره‌برداری شده است.

چارچوب نظری

سه مشخصه اصلی نظریه سازه‌نگاری که به ایجاد رویکردی میانی بین رهیافت‌های نظری تبیین‌گرا^۱ و انعکاسی^۲ در تحلیل موضوع‌های سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی منجر شده، عبارتند از: تأکید بر اهمیت ساختارهای هنجاری و معنایی در کنار عوامل مادی، توجه به نقش هویت در شکل دادن به کنش سیاسی و در نهایت، توجه به رابطه متقابل ساختار و کارگزار (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۷۳). سازه‌نگاران به منظور پرهیز از تقلیل‌گرایی در تحلیل و فهم مسائل بر این مشخصه‌ها تأکید دارند و به‌خصوص با در نظر گرفتن عنصر

-
1. Explanatory
 2. Reflective

هویتی توانسته‌اند مسائلی نظیر علل تغییر در سیاست خارجی کشورها در طول زمان را نسبتاً تبیین و تحلیل کنند.

اصل نخست نظریه‌پردازان سازه‌انگار در تحلیل سیاست خارجی، تاکید بر عدم یکپارچگی دولت به‌عنوان یک بازیگر است. این رویکرد نظری برای تحلیل سیاست خارجی معتقد است که دولت‌ها همواره هویت منسجم و ثابتی ندارند و هویت آنها تحت تأثیر مؤلفه‌های متعدد داخلی و خارجی نظیر ساخت اجتماعی داخل، ماهیت گروه‌های داخلی، ارتباط جامعه و دولت و بازیگران خارجی در کنار ماهیت نوع نظام بین‌المللی متحول می‌شود. با توجه به این تاکید بر سیالیت هویت بازیگران دولتی، می‌توان گفت با تغییر عناصر هویتی دولت‌ها، ممکن است شاهد تغییراتی در سیاست خارجی آنها نیز باشیم؛ چون هویت دولت‌ها را الهام‌بخش چگونگی تعیین منافع ملی و در نهایت، رفتار سیاست خارجی آنها می‌دانند (Borozna, 2008: 7).

هرچند عواملی مانند تاریخ یک کشور، جغرافیا، قومیت، مذهب و نوع نظام سیاسی را عناصر اصلی شکل‌دهنده به هویت دولت‌ها معرفی می‌کنند؛ اما عوامل دیگری نظیر متغیرهای فردی حاکمان و گفتمان‌های سیاسی حاکم در جامعه و گروه‌های سیاسی نیز در شکل‌گیری نوع هویت تأثیرگذارند. همان‌طور که «الکساندر ونت» معتقد است، «هویت‌ها بنیان منافع هستند»؛ پس برای تحلیل منافع یک کشور در راستای ارائه شناختی کلی از سیاست خارجی آن، توجه به نوع گفتمان هویتی غالب در نتیجه فرایند و عوامل فوق‌امری حیاتی است؛ زیرا با توجه به عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری یک هویت غالب و آگاهی از ابعاد آن، می‌توان منافع آن دولت و اولویت‌های سیاست خارجی آن را درک کرد. علاوه بر این، تغییرات احتمالی در سیاست خارجی آن دولت و یا رفتارهای متناقض آن نیز قابل فهم خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۵۲-۳۵۳).

با وجود شناسایی انواع مختلفی از هویت در نظر سازه‌انگاران؛ از جمله هویت‌های نوعی، حقوقی، جمعی و نقشی، آنچه در این نوشتار بیشتر مورد توجه قرار دارد، هویت نقشی بازیگران است. هر دولت دارای یک هویت نقشی است که نه تنها ذاتی نبوده؛ بلکه در تعامل با بازیگران دیگر در سطح داخلی و بیرونی مطرح می‌شود؛ بدین شکل که تحت تاثیر نوع هویت یا گفتمان هویتی غالب، هر کشور نقش یا نقش‌هایی برای سیاست خارجی خود ترسیم می‌کند که ملهم از مؤلفه‌های هویتی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن قرار دارد یا در پی کسب آن وضعیت و نقش است. در این رابطه ونت نیز معتقد است هر دولت در ساختار اجتماعی و در تعامل با دیگر بازیگران، دارای یک نقش یا هویت نقشی است و با تکیه بر این هویت نقشی است که می‌توان رابطه میان هویت ملی و منافع ملی (و متعاقب آن رفتار سیاست خارجی) را تحلیل کرد؛ به طوری که نوع گفتمان هویتی غالب، نقش‌هایی برای سیاست خارجی یک بازیگر تعریف می‌کند و این نقش‌ها منافع، اولویت‌ها و در نهایت، رفتار بازیگران را در قبال دیگران تعیین می‌کند (شجاع و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹-۲۷).

سیاست خارجی روسیه در قبال ایران

سیاست خارجی روسیه در قبال ایران همانند چارچوب و محورهای کلی سیاست خارجی این کشور تحت تاثیر تغییرات در گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه و برداشت‌های نخبگان این کشور از ایران قرار داشته است. هرچند به دلایلی نظیر نزدیکی جغرافیایی یا موضوع‌های سیاسی، عنصر ژئوپلیتیک همواره عامل مهمی در شکل‌دهی به روابط روسیه و ایران بوده است؛ اما با توجه به روند تعاملات دو کشور طی چند دهه اخیر مشاهده می‌کنیم که غالب شدن هر یک از رویکردهای هویتی در روسیه، با پیامدهایی در روابط این کشور با ایران همراه شده است. درحالی که در دوران گفتمان آتلانتیک‌گرایی ایران جایگاه مهمی در سیاست خارجی روسیه نداشت، در دوره اوراسیاگرایان نوع نگاه به ایران تغییر کرد و

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران: .../ ۳۵

در دهه اخیر، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران را می‌توان کوششی برای ایجاد تعادل میان دو وضعیت همکاری با ایران و تامین نیازهای تسلیحاتی و استراتژیک آن و همچنین، همکاری با غرب در کنترل قدرت ایران و فشار بر آن توصیف کرد. روسیه با اتخاذ رویکرد دوگانه «کنترلی و تعدیلی» کوشیده است ضمن کنترل هرگونه افزایش قدرت ایران، فشارهای غرب علیه تهران را نیز در جهت منافع خود تعدیل نماید (مولایی و زرگری: ۱۳۹۵: ۱۰۹). سیاست خارجی روسیه تحت تأثیر عوامل مختلفی در پی ایجاد توازن میان دو وضعیت فوق قرار دارد؛ به طوری که از یک طرف ضمن همکاری با ایران با درخواست‌های آن برای تسلیحات پیشرفته و فناوری نظامی مخالفت کرده و مانند مورد اس-۳۰۰ اگر تعهدی نیز در این رابطه به ایران داشته، آن را به شکل مطلوب اجرایی نکرده است. از طرف دیگر و بر خلاف فشارهای غرب خواستار حفظ تعاملات با ایران در حوزه‌های مختلف؛ از جمله تداوم همکاری هسته‌ای بوده است. همچنین، درحالی که با نگرانی از تبدیل شدن ایران به یک رقیب منطقه‌ای یا هسته‌ای مخالف افزایش قدرت آن؛ به خصوص در حوزه هسته‌ای بوده‌اند، حمله نظامی غرب علیه ایران را نیز به دلایل نتایج آن مخالف منافع خود تصور کرده و سعی بر تعدیل فشارهای غرب داشته‌اند (Trenin & Malashenko, 2010: 21-22). این امر به خوبی در دیدگاه «دیمیتری ترنین»^۱ محقق روس نمایان است. وی معتقد است:

«دیدگاه مسکو این است که یک ایران پر قدرت می‌تواند روسیه را با تهدیدهایی مواجه کند. ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز پس از روسیه، یک رقیب بالقوه برای بازار انرژی روسیه است و یک ایران هسته‌ای نیز می‌تواند سلطه روس‌ها بر آسیای مرکزی و

1. Dmitri Trenin

ففقاز را دچار مشکلاتی کند... با وجود این نگرانی‌ها در میان نخبگان سیاسی روسیه در مورد افزایش قدرت ایران، روسیه تمایلی به تضعیف ایران نیز ندارد؛ زیرا یک ایران ضعیف با پیامدهای امنیتی برای روسیه مانند بی‌ثباتی در منطقه همراه خواهد بود. به همین دلیل است که روسیه همواره مخالف هرگونه حمله یا عملیات نظامی علیه ایران است» (Trenin & Malashenko, 2010: 7-8).

طی چند سال اخیر و با تشدید بحران در اوکراین و به‌خصوص سوریه، رویکرد مسکو به تهران پیچیده‌تر شده است؛ زیرا در شرایطی که روسیه تحت تحریم غرب قرار دارد و نگران از دست رفتن حوزه نفوذ سنتی خود در سوریه است، اشتراک منافع مسکو با تهران، به نزدیکی بیش‌تر دو طرف منجر شده است؛ زیرا مسکو ضمن کوشش برای نقش‌آفرینی در بحران‌های مختلف به‌عنوان قدرتی جهانی، می‌کوشد با همکاری با بازیگرانی مانند ایران به پیشبرد منافع و نقش‌های خود بپردازد. لذا با توجه به چنین شرایطی و در نظر داشتن مشکلات اقتصادی روسیه در دوران تحریم، شاهد افزایش تعاملات روسیه با ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای بوده‌ایم (see OOBVVVV, 6666).

همان‌طور که مؤلفه‌های فوق نشان می‌دهد، تحلیل رفتارهای روسیه در قبال ایران بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی، تاثیرگذاری عنصر خارجی یا ژئواستراتژیک ناکافی است؛ چون به تاثیر عوامل غیرمادی؛ به‌خصوص برداشت‌های نخبگان روسی از ایران توجه ندارد؛ زیرا رفتارهای سیاست خارجی روسیه تحت تاثیر نقش‌های ترسیم شده برای سیاست خارجی این کشور؛ از جمله نقش‌های قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت منطقه‌ای و ابرقدرت هسته‌ای که برآمده از برداشت‌های نخبگان سیاسی و فکری آن در مورد جایگاه روسیه در جهان و منطقه هستند، قرارداد؛ به‌طوری‌که روسیه می‌کوشد سیاستی در قبال ایران و مسائل آن اتخاذ کند که همسو با ایفای چنین نقش‌هایی باشد. در واقع، تصور نخبگان سیاسی روسیه از جایگاه و نقش این کشور و تاثیر تقویت یا تضعیف قدرت ایران بر کیفیت ایفای این

نقش‌های روسیه به رویکرد دو وجهی آنها نسبت به ایران شکل داده است (Omelicheva, 2012: 341-342).

با توجه به شمای کلی سیاست خارجی روسیه در قبال ایران، اولویت‌ها و نگرانی‌های نخبگان حاکم در مسکو در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران و چگونگی مدیریت آن را باید در قالب این محورها ارزیابی کرد: دکترین هسته‌ای روسیه و برنامه هسته‌ای ایران، تاثیر سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران بر هژمونی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، غربگرایی احتمالی ایران و تعدیل فشارها علیه ایران (مولایی و زرگری، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۵).

روند همکاری هسته‌ای روسیه با ایران

اساس تعامل ایران و روسیه در حوزه هسته‌ای به قرار زیر بوده است:

- توافق در استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز در ۱۷ اوت ۱۹۹۲؛
- قرارداد برای اتمام ساخت نیروگاه بوشهر برای اولین بار که توسط نمایندگان انرژی اتمی در سال ۱۹۹۵ دو کشور به امضا رسید؛
- پروتکلی از مذاکرات «میخایلف»^۱ وزیر انرژی اتمی فدراسیون روسیه، و معاون رئیس جمهور ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، دکتر رضا امراللهی در ۸ ژانویه ۱۹۹۵؛
- امضای توافقنامه تکمیلی در بهار ۱۹۹۸ طی سفر «ولادیمیر بولگانف»^۲، معاون نخست وزیر روسیه به ایران (2007, Сиини)؛
- توافقنامه بین دولتی در زمینه همکاری تجارت و اقتصاد در ۱۴ آوریل ۱۹۹۷؛
- پیمان همکاری بین فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ مارس ۲۰۰۱ (КК ВЯЯ, 2014).

1. Mikhailov
2. Vladimir Bolganov

از آغاز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۹۰، به دلیل امتناع کشورهای اروپایی و غربی در همکاری هسته‌ای با ایران، مقامات وقت کشورمان برای پیشبرد برنامه هسته‌ای، همکاری‌هایی را با روسیه آغاز کردند که عمدتاً به ساخت نیروگاه اختصاص داشت. روسیه نخستین توافقنامه ساخت نیروگاه اتمی و همکاری در عرصه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را در سال ۱۹۹۲ با ایران امضا کرد. متعاقب این همکاری، در سال ۱۹۹۵ نیز قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار بین دو کشور به امضا رسید (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

در ادامه روند همکاری‌ها، در نوامبر سال ۱۹۹۸، «یوگنی آدامف»^۱، وزیر انرژی اتمی وقت روسیه با سفر به ایران و پس از دیدار از پروژه بوشهر موافقت‌نامه همکاری تخصصی روسیه با ایران را به امضا رساند و طبق آن قرار شد طرح بوشهر تا سال ۲۰۰۳ تکمیل شود. به‌منظور اجرای همکاری‌های فنی میان طرفین نیز حدود دو هزار کارشناس روس حضور داشتند و حدود ۳۰۰ شرکت فنی مختلف از این کشور نیز در مراحل مختلف تکمیل این نیروگاه مشارکت کرده‌اند. هرچند این طرح در موعد مقرر از سوی روس‌ها اجرایی نشد؛ اما زمینه پیوند روسیه با برنامه هسته‌ای ایران را فراهم کرد و با گذشت بیش از دو دهه، همکاری دو طرف در این زمینه همچنان ادامه دارد (ИИИИИИИИ, 2016).

اسناد، تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی در رابطه با جزئیات تکمیل و نحوه آغاز فعالیت نیروگاه بوشهر مانند توافقنامه در مورد چگونگی تامین سوخت از طرف روسیه و تبادل آن برای نیروگاه بوشهر میان طرفین به امضا رسیده است؛ اما سه توافق فوق در دهه ۱۹۹۰ اسناد پایه‌ای و آغازین همکاری‌های هسته‌ای روسیه با ایران هستند که سنگ بنای این همکاری‌ها نیز محسوب می‌شوند (سنایی، ۱۳۸۷: ۱۶). طی سال‌های اخیر نیز اسناد مهم

1. Yevgeny Adamov

دیگری در مورد همکاری‌های جدید برای ساخت نیروگاه‌های دیگر میان طرفین امضا شده است که واحدهای دوم و سوم نیروگاه بوشهر از جمله آنها محسوب می‌شود.

تصمیم دولت وقت روسیه برای آغاز همکاری هسته‌ای با ایران با مخالفت‌های جدی در روسیه مواجه شد و مخالفان همکاری هسته‌ای با ایران، که عمدتاً از نخبگان غربگرا بودند، همکاری هسته‌ای با ایران را با منافع روسیه مغایر می‌دانستند؛ ولی موافقان این امر علاوه بر منافع اقتصادی حاصل از این همکاری، بر کنترل برنامه هسته‌ای ایران از سوی روسیه و «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»^۱ در صورت همکاری مسکو و تهران تاکید داشتند. موافقان این امر برخی نگرانی‌ها در مورد احتمال هسته‌ای شدن ایران و دستیابی آن به سلاح اتمی با توجه به پیامدهای آن برای مسکو را بی‌مورد توصیف می‌کردند؛ زیرا معتقد بودند در صورت تداوم همکاری‌های فنی روسیه، احتمال نظارت بیشتری بر فعالیت‌های ایران وجود خواهد داشت. علاوه بر منافع اقتصادی و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اجرای چنین قراردادی در بهبود چهره قدرت هسته‌ای روسیه که با انفجار هسته‌ای چرنوبیل ضربه شدیدی دیده بود، کمک می‌کرد (کولایی، ۱۳۸۵: ۸۲).

با انتشار گزارش‌هایی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲م/۱۳۸۱ش. و تشدید تبلیغات علیه تهران، فشار بر دولت روسیه در داخل و خارج از این کشور افزایش یافت. مخالفان همکاری هسته‌ای با ایران نیز از این فرصت استفاده کرده، از رویکرد دولت پوتین در همکاری با ایران انتقاد کردند. همچنین، پس از رفع تعلیق از سوی ایران در اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه شدیدالحنی علیه کشورمان تصویب شد که روسیه نیز با آن همراه شد. در این راستا، هرچند روسیه منافع زیادی در نتیجه همکاری هسته‌ای با ایران کسب می‌کرد؛ اما مجموعه‌ای از عوامل نظیر فشار غرب،

1. International Atomic Energy Agency

محیط داخلی ایران و روسیه و رویکرد کلی سیاست خارجی روسیه در رابطه با نگرانی آن از نقش‌های مدنظر رهبران و نخبگان روسی؛ از جمله ابرقدرت هسته‌ای و منطقه‌ای، به همراهی نسبی روسیه با فشارها علیه ایران و کاستن از سطح و سرعت همکاری با ایران در حوزه هسته‌ای منجر شد (کولایی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴)؛ به طوری که تعهدات خود در قبال ایران را در موعد مقرر اجرا نکرد. دلایل تأخیر در ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر به طور کلی به سه دسته علل فنی، علل اقتصادی و علل سیاسی قابل تقسیم است (شوری، ۱۳۸۸: ۷۷).

موضوع مهم دیگر در مورد همکاری‌های فنی دو طرف به طرح‌های پیشنهادی روسیه برای تداوم همکاری‌ها و یافتن راه‌حل برای پایان دادن به اختلافات در مورد برنامه هسته‌ای ایران برمی‌گردد. از آنجا که غنی‌سازی و پسماند سوخت از مهم‌ترین ابعاد اختلافات میان طرفین بود، در این شرایط روسیه پیشنهاد غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه در قالب یک شرکت سهامی ایران و روسیه را به ایران اعلام کرد؛ اما ایران به دلیل عدم تامین اهداف و منافع خود، با این طرح روسیه موافقت نکرد و این واکنش تهران، نارضایتی مسکو و کندتر شدن همکاری‌ها را در پی داشت (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

با آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای و متعاقب آن، افزایش امیدها نسبت به احتمال موفقیت آن در سال ۲۰۱۴، شاهد مجموعه اقدامات و تعاملاتی میان مقامات روسی و ایرانی بودیم که به آغاز گفتگوها برای افزایش سطح همکاری‌ها و طرح‌های جدید در حوزه هسته‌ای مانند مذاکرات ساخت نیروگاه‌های جدید از سوی روسیه برای ایران منجر شد. این همکاری‌ها در زمینه ساخت نیروگاه و خرید و فروش تولیدات و تجهیزات هسته‌ای در دوره پس از برجام وارد مرحله اجرایی شدند (Kozhanov, 2015: 14-15).

تأثیر و جایگاه عوامل اقتصادی

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران؛.../۴۱

وابستگی اقتصادی متقابل، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند در میزان همکاری کشورها نقش قابل توجهی ایفا کند. همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی روسیه با ایران در بخش‌های مختلفی نظیر روابط بازرگانی و تجاری، همکاری در حوزه انرژی؛ اعم از نفت و گاز و هسته‌ای و فروش تسلیحات طی چند دهه اخیر در سطوح مختلف نوسان داشته است. درحالی که در سال ۱۹۹۱ و پیش از سقوط شوروی، حجم روابط بازرگانی شوروی با ایران به میزان یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار رسیده بود، با سقوط شوروی و به قدرت رسیدن آتلانتیک‌گرایان حجم روابط تجاری دو طرف به شدت کاهش یافت. با به قدرت رسیدن اوراسیاگرایان و کاهش غربگرایی در سیاست خارجی روسیه، بار دیگر روابط اقتصادی روسیه با ایران رشد کرد. این افزایش حجم روابط بازرگانی در دوران پوتین نیز تداوم داشت و در سال ۲۰۰۰ از حدود ۷۰۰ میلیون دلار، به مرز یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ رسید. پس از قرارداد همکاری‌های ۱۰ ساله میان دو کشور، حجم روابط تجاری نیز گسترش یافت و در سال ۲۰۰۵ روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد که حدود ۵ درصد از واردات به ایران را تامین می‌کرد (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

جدول ۱: روابط تجاری روسیه با ایران از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ (ارزش به میلیون دلار)

سال	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۵
حجم روابط تجاری	۱۴۰۰	۷۲۳	۲۰۰	۷۰۰	۱۰۰۰	۱۹۵۰

منبع: سازمان توسعه تجارت و گمرک ج.ا. ایران

در دوره دوم ریاست‌جمهوری پوتین، تعاملات تجاری مسکو با تهران رشد بیشتری داشت؛ اما دوران اوج همکاری‌های اقتصادی روسیه با ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ را شامل می‌شود که به بیش از ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسید. این میزان تجارت

بین دو کشور هر چند در سال ۲۰۱۲ نیز نسبتاً پایدار ماند (Kozhanov, 2012: 20)؛ اما پس از سال ۲۰۱۲ به دلیل اجرایی شدن همه تحریم‌ها علیه تهران، شاهد افت حجم تجارت بین دو کشور به کمتر از یک میلیارد در سال ۲۰۱۵ بوده‌ایم.

جدول ۲: روابط تجاری روسیه با ایران طی یک دهه اخیر (ارزش به میلیون دلار)

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
حجم روابط تجاری	۲۱۴۵	۳۳۱۵	۳۶۹۰	۳۰۶۰	۳۶۵۱	۳۷۵۳	۲۰۹۷	۱۱۸۳	۹۵۳	۷۷۲	۲۰۲۳
صادرات روسیه به ایران	۱۹۰۵	۲۹۶۵	۳۲۸۸	۲۸۴۶	۳۲۷۹	۳۴۰۱	۱۹۰۲	۶۸۸	۶۶۹	۵۶۰	۱۷۲۳
واردات روسیه از ایران	۲۴۰	۳۴۹	۴۰۱	۲۱۳	۲۷۱	۳۵۲	۴۲۸	۳۹۶	۲۸۴	۲۱۲	۳۰۰
توازن تجاری برای روسیه	۱۶۶۵	۲۶۱۶	۲۸۸۶	۲۶۳۳	۳۱۰۸	۳۰۵۰	۱۴۷۴	۳۹۱	۳۸۵	۳۴۸	۱۴۲۳

منبع: سازمان توسعه تجارت و گمرک ج.ا. ایران

همان‌طور که جدول آمار روابط تجاری دو طرف نشان می‌دهد، با بهبود روابط سیاسی، زمینه برای همکاری اقتصادی فراهم شد. در تحلیل روابط تجاری روسیه با ایران،

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران؛ .../۴۳

همچنین باید توجه داشت که ایران در اجناس و موضوع‌های راهبردی نظیر صنعت هسته‌ای و تسلیحات نظامی، به واردات از روسیه وابسته است و این امر پیامدهای اقتصادی و سیاسی مثبتی برای روسیه داشته است. موضوع دیگر، اهمیت اندک ایران در تجارت خارجی روسیه است. درحالی که روسیه در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به‌طور میانگین حدود ۲۷۰ میلیارد دلار واردات داشته است (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۱۳)، ایران در بهترین زمان کمتر از نیم میلیارد دلار به روسیه صادرات داشته است؛ برای مثال، سهم ایران در حجم بازرگانی خارجی روسیه در سال ۲۰۱۲ میلادی ۰/۴۷ درصد؛ یعنی کمتر از ۰/۵ درصد بود. این امر از این نظر که پیامدهای منفی کاستن روابط با ایران را برای مسکو کاهش می‌دهد، دارای اهمیت است (Ivanov and others, 2014: 13).

بحث انرژی، مسأله مهم دیگر روابط روسیه و ایران است. روابط دو کشور در حوزه نفت و گاز شامل ابعاد رقابتی، همسویی منافع و همکاری می‌شود. با وجود ظرفیت‌های متعدد در گسترش روابط تجاری میان روسیه و ایران، این مبادلات هنوز به میزانی که به وابستگی متقابل دو طرف منجر شود، نرسیده است.

با توجه به آمارهای روابط تجاری دو کشور در گذر زمان، می‌توان گفت عنصر اقتصاد در یک دوره عامل مهمی در شکل‌دهی به گسترش روابط روسیه با ایران به‌طور کلی و آغاز همکاری هسته‌ای به‌طور خاص بوده است. در مورد اهمیت مباحث اقتصادی در رابطه با رویکرد کلی مسکو نسبت به برنامه هسته‌ای تهران، باید اشاره کرد که این موضوع صرف‌نظر از مسائل سیاسی یا امنیتی، با مزایای اقتصادی برای روسیه همراه بوده و هدف و انگیزه اصلی روسیه در آغاز همکاری‌ها با ایران علی‌رغم فشارهای غربی نیز پیامدهای اقتصادی این موضوع برای روسیه بوده است؛ برای مثال، این همکاری با درآمدها و پیامدهای مالی قابل توجهی برای روسیه در حوزه‌های ساخت زیرساخت‌ها و نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران، درگیر کردن شرکت‌های تخصصی روسی در این پروژه‌ها و کسب درآمد

ارزی، استفاده از توان متخصصان هسته‌ای روسیه، و مبادله سوخت و پسماندهای سوخت هسته‌ای همراه بوده است.

با وجود نقش عنصر اقتصاد در شکل‌گیری رویکرد سیاست خارجی روسیه در قبال ایران و در موضوع هسته‌ای به‌طور اخص طی ۲۵ سال اخیر، این عنصر تنها در مراحل آغازین شکل‌گیری همکاری‌ها در این حوزه؛ یعنی دهه ۱۹۹۰ نقش تعیین‌کننده را داشته و انگیزه اصلی نخبگان روسیه بوده است و در دوره‌های بعد از اهمیت و وزن آن کاسته شده است. هرچند همان‌طور که نوسان در آمارهای تجاری نشان داد، در این دوره ابتدایی نیز عنصر اقتصاد در چارچوب تغییر گفتمان‌ها امکان ایفای نقش و تأثیرگذاری یافته و تغییر گفتمان‌ها و چرخش رویکرد غالب در سیاست خارجی روسیه باعث افزایش اهمیت اقتصادی یا سیاسی همکاری با ایران برای روسیه شده است. در واقع، همکاری‌های اقتصادی مسکو با تهران همانند و همزمان با همکاری هسته‌ای تغییر کرده و علل این امر نبوده است؛ بلکه هر دو معلول مسائل دیگر بوده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ غربگرایی به کاهش شدید روابط اقتصادی منجر شد؛ اما از اواخر دهه ۱۹۹۰ و تأثیرگذاری اوراسیاگرایی، شاهد تغییر این روند بوده‌ایم (Kolae, 2008: 6). این نکته نیز شایان توجه است که توسعه برنامه هسته‌ای ایران، علاوه بر اینکه ایران را در این زمینه به روسیه وابسته کرده، سبب کسب پرستیژ سیاسی در سطح بین‌الملل برای روسیه و ورود این کشور به بازار هسته‌ای جهان شده است (Aras & ozbay, 2008: 52).

ارزیابی نقش عناصر بین‌الملل یا عامل سوم

یکی از گزاره‌های مفهومی که با بررسی تاریخ طولانی روابط روسیه و ایران به‌دست می‌آید، این مسأله است که این روابط، تعاملی فراتر از روابط دوجانبه و مستقیم است؛ زیرا روابط روسیه و ایران هیچ‌گاه منحصر به روابط تهران و مسکو نبوده و به‌خصوص در برخی

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران؛ .../ ۴۵

موضوع‌ها مانند هسته‌ای یا نظامی، پیوسته از عنصر خارجی یا بین‌المللی متأثر بوده است (سجادپور، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۷۵).

علاوه بر این، موضوع‌هایی دیگر همانند چندجانبه‌گرایی و ایجاد نظام چندقطبی که از اصول سیاست خارجی روسیه نیز محسوب می‌شوند، باعث تأثیر مسائل بین‌الملل بر روابط دوجانبه شده‌اند. دو کشور روسیه و ایران با نظام بین‌الملل تک‌قطبی، هژمونی امریکا و یک‌جانبه‌گرایی آن مخالفت جدی دارند. جلوگیری از فشارهای امریکا برای انزوای روسیه و ایران، دستیابی به قدرت مانور بیشتر و ممانعت از گسترش ناتو، از مهم‌ترین موضوع‌های بین‌المللی در روابط مسکو و تهران است. بعلاوه، موضع مشترک روسیه و ایران از برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر و رای منفی روسیه از سال ۱۹۹۶ تاکنون به قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران، از دیگر مسائل بین‌المللی تأثیرگذار در روابط دوجانبه بوده است (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۱). داشتن مواضع همسو در برخی بحران‌های بین‌المللی نظیر سوریه نیز از موضوع‌های مهم و جدید در روابط دو کشور است.

برخلاف برخی ارزیابی‌ها درباره تأثیرگذاری عنصر خارجی و بین‌المللی در شکل‌دهی به رویکرد مسکو، این تأثیرگذاری به ابعاد مثبت و یا منفی محدود نبوده و پیامدهای دوگانه‌ای داشته است؛ برای مثال، امتناع ایران از تبلیغ اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز در دهه ۱۹۹۰ و همکاری با روسیه در موضوع‌های این مناطق، باعث افزایش اعتماد مسکو به تهران شد؛ اما فراتر از سطح منطقه‌ای، مواضع مشترک دو کشور در موضوع‌های جهانی مانند مخالفت با نظام تک‌قطبی نیز از عوامل بین‌المللی مثبت در روابط دوجانبه محسوب می‌شود (Kozhanov, 2015: 8). با وجود این، مسائل دیگری در این سطوح، تأثیراتی منفی بر رویکرد روسیه در قبال ایران داشته‌اند. طی دو دهه اخیر، روسیه به شدت توجه داشته است روابط با ایران تا جایی گسترش نیابد که تعامل مسکو با دیگر

کنشگران را تهدید کند. مسکو تلاش داشته است تعادلی میان روابط با ایران و دشمنان یا رقبای سیاسی آن؛ از جمله امریکا، اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس در سیاست خارجی خود اعمال کند؛ زیرا رهبران روسیه معتقدند هرگونه اتحاد یا مشارکت راهبردی با ایران، روابط آن با این کنشگران را تخریب خواهد کرد (Mamedova, 2016).

با وجود تاثیرگذاری پایدار عنصر بین‌المللی یا خارجی بر سیاست خارجی روسیه در رویارویی با موضوع‌های مرتبط با ایران، سطح این تاثیرگذاری وابسته به نوع گفتمان حاکم بر روسیه متفاوت بوده است؛ به‌طوری که در دهه ۱۹۹۰ و در دوران تسلط غربگرایان بر روسیه، تاثیرگذاری عامل غرب و به‌خصوص امریکا برجسته است. در نتیجه، در سال‌های نخست این دهه، متعاقب روابط نزدیک مسکو با غرب، از سطح همکاری‌ها و روابط روسیه با ایران به‌شدت کاسته شد. همچنین، در طول دهه ۱۹۹۰ فشارهای غرب به رهبری امریکا بر روسیه، باعث تغییر برخی مواضع روسیه در مورد ایران شد (Pieper, 2017: 70).

تاثیرگذاری عوامل بین‌المللی طی چند سال اخیر، تحت‌تأثیر عوامل دیگر تداوم داشته است. متعاقب تحولات خاورمیانه، مسکو به‌شدت نگران وضعیت خود پس از این تحولات بود و با توجه به نفوذ تهران در منطقه، شاهد گسترش تماس‌های مقامات روسی با رهبران ایران بوده‌ایم. تحولات در این منطقه به پیامدهایی در سیاست خاورمیانه‌ای مسکو منجر شد و رویکرد روسیه به این منطقه را دچار تحولاتی کرد؛ هرچند همه این تغییرات، متأثر از مسائل خاورمیانه نیست و موضوع‌هایی مانند بحران اوکراین و کوشش‌های روسیه برای ایفای نقش در قالب یک قدرت بزرگ جهانی نیز در سال‌های اخیر در این روند تاثیرگذار بوده‌اند (کولایی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). از دیدگاه روسیه، پس از این تحولات، تهران یکی از آخرین عناصر برای تقویت همکاری و ایفای نقش در منطقه بود. موضوع دوم بحران اوکراین و افول شدید روابط روسیه با غرب بود که باعث توجه بیش‌تر سیاست خارجی

روسیه به همکاری با ایران شد؛ زیرا علاوه بر تلاش برای فرار از انزوا، ایران کنشگر مهمی در سطح منطقه و مواضع ضدغربی آن همسو با رویکرد روسیه بود (Kozhanov, 2015: 11).

از آنجا که امریکا جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه دارد، کرملین می‌کوشد از همه ابزارها و ظرفیت‌ها برای تنظیم روابط با آن کشور بهره ببرد. در این رابطه، نوع روابط خاص مسکو با تهران، با توجه به اختلافات امریکا و ایران چنین فرصتی را برای روسیه فراهم کرده است. درحالی که نمودهایی از تأثیرگذاری امریکا در سیاست خارجی روسیه در مواجهه با ایران، همانند همراهی با تحریم‌ها علیه ایران در دوران «دیمیتری مدودف»^۱ وجود دارد، باید اذعان داشت که معتقدان به چنین فرضیه‌ای، به چگونگی و علل تأثیرگذار در بهبود و یا ایجاد تنش در روابط روسیه با غرب به‌عنوان علت اصلی تکوین و تغییرات در سیاست خارجی روسیه توجه نداشته و عنصر امریکا را به‌عنوان عامل شکل‌دهنده به چگونگی شکل‌گیری مواضع مسکو پنداشته‌اند (Zargari, 2016).

عنصر خارجی دیگر در سطح منطقه‌ای در شکل‌دهی به سیاست خارجی مسکو در قبال تهران، وضعیت دریای خزر است که برخلاف شرایط کنونی خاورمیانه، تأثیرات منفی در این عرصه داشته است. هرچند روسیه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ مواضعی مشابه ایران و در مخالفت با ورود کنشگران فرامنطقه‌ای و اقدامات یک‌جانبه اتخاذ کرد؛ اما کشف منابع انرژی و اهمیت این عنصر در راهبرد سیاست خارجی روسیه در قالب نقش «ابرقدرت انرژی» باعث چرخش مواضع روسیه گشت و این کشور با اتخاذ اقداماتی مانند قراردادهای دوجانبه با آذربایجان و قزاقستان در بهره‌برداری از منابع دریای خزر، مواضعی متفاوت با ایران درپیش گرفت که به ظهور اختلاف عمیق و مهمی در روابط دوجانبه منجر

1. Dmitry Medvedev

شد (زرگری، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۷). این موضوع با پیامدهایی در روابط دو کشور همراه شد که بر شکل‌دهی به رویکرد مسکو به برنامه هسته‌ای ایران نیز تاثیرگذار بوده است؛ زیرا با ایجاد فضای بی‌اعتمادی و اختلاف‌زا در روابط دوجانبه، باعث شکل‌گیری نگرش رقابتی از سوی مسکو علیه تهران شده است. همچنین، علت دیگر چنین اختلافاتی میان دو کشور در موضوع خزر، وجود منابع انرژی و نگرانی روسیه از احتمال تبدیل شدن ایران به رقیبی برای صادرات انرژی است (کولایی، ۱۳۹۳).

در ارزیابی فرضیه تاثیرگذاری عامل خارجی یا عنصر بین‌الملل بر سیاست خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران، نمی‌توان تاثیرات این عامل را در این موضوع نادیده انگاشت؛ اما در این خصوص باید به چهار نکته توجه داشت: نخست، عناصر بین‌الملل برخلاف فرضیه‌های دیگر تأثیرات متفاوتی در هر دو بعد مثبت و منفی در روابط روسیه و ایران؛ به‌ویژه در موضوع هسته‌ای داشته است و این تاثیرگذاری تنها عامل شکل‌دهنده به مواضع، رفتارها و رویکرد سیاست خارجی روسیه در این حوزه نبوده است. دوم، پیامدها و محورهای تاثیرگذاری عناصر و عوامل سطح بین‌الملل به‌طور کامل در روابط روسیه با ایران محقق نشده‌اند؛ برای مثال، درحالی که کنشگران بین‌المللی تاثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در پی توقف همکاری‌های هسته‌ای روسیه با ایران و ایجاد محدودیت در فروش تسلیحات از سوی روسیه به ایران بوده‌اند، این اهداف از سوی روسیه به‌طور کامل محقق و اجرایی نشده‌اند. سوم، تاثیرگذاری عناصر بین‌الملل در همه برهه‌های زمانی یکسان نبوده و در دوره تسلط گفتمان هویتی غربگرایی بیش‌تر بوده است. چهارم، در دوران تشدید تنش‌ها میان روسیه و غرب نیز علی‌رغم تمایل تهران، روابط روسیه با ایران راهبردی نشده است. پس علی‌رغم برخی تحلیل‌ها در ارزیابی رویکرد روسیه در برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان «کارت بازی مسکو» در روابط با غرب، می‌توان گفت عوامل موجود در سطح بین‌الملل در همه برهه‌های زمانی تاثیرگذاری یکسان و مشابهی نداشته و

همچنین، تنها عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در موضوع‌های مرتبط با ایران نبوده‌اند و باید به عوامل کلان‌تری توجه داشت.

گفتمان‌های هویتی؛ زمینه‌ساز عوامل متعدد تأثیرگذار

تاکید صرف بر فرضیه تاثیرگذاری عناصر اقتصادی و محیط بین‌الملل به‌عنوان پاسخی به چرایی و چگونگی رفتار و رویکردهای روسیه در موضوع هسته‌ای ایران طی ۲۵ سال گذشته تحلیلی تقلیل‌گرایانه خواهد بود؛ زیرا همان‌طور که در ارزیابی عامل اقتصادی و بین‌المللی نیز بیان شد، مؤلفه‌های متعددی در این روند تاثیرگذار بوده‌اند. سیاست خارجی و تعاملات دیپلماتیک تابعی از شرایط و عناصر مختلف در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و ارزیابی سهم و وزن هر یک از این عوامل به شرایط هر کشور و موضوع مورد مطالعه بستگی دارد. لذا نمی‌توان با در نظر گرفتن عامل اقتصاد در یک سطح و یا عناصر سطح بین‌الملل و یا اختلافات یا مواضع مشترک در سطح منطقه‌ای در پی پاسخ به پرسش‌ها در مورد رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران بود.

با وجود نشانه‌ها و نمودهای تأثیرگذاری عناصر اقتصادی و عوامل موجود در سطح بین‌الملل بر رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران و با توجه به کاستی‌های هر یک از فرضیه‌های اقتصادی یا بین‌المللی در تبیین و تحلیل این امر، به نظر می‌رسد به منظور اجتناب از تقلیل‌گرایی در فهم مساله باید به همه عوامل مؤثر در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در شکل‌دهی و تغییر یا تداوم رویکرد روسیه توجه داشت. در این راستا، ضمن پذیرش تاثیرگذاری عوامل اقتصادی و بین‌المللی در شکل‌دهی به رویکرد روسیه در برخی برهه‌های زمانی، با تکیه به مؤلفه‌های هویتی غالب در روسیه و تحولات هویتی در این کشور در کنار اصول کلان سیاست خارجی این کشور، می‌توان ضمن ارزیابی کیفیت تاثیرگذاری این عوامل در رویکرد مسکو به برنامه هسته‌ای ایران، به دیگر عوامل مؤثر نظیر

دکترین هسته‌ای روسیه توجه کرد و علل تغییرات در رویکرد روسیه در این موضوع را در گذر زمان تبیین نمود.

در رابطه با تأثیر گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه بر رویکرد این کشور به برنامه هسته‌ای تهران می‌توان مدعی شد، همان‌طور که در دوره غرب‌گرایان عوامل اقتصادی زمینه آغاز همکاری با ایران شد و انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی کلان‌تر کاهش همکاری با ایران را در پی داشت، حاکم شدن گفتمان‌های اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و دوران پوتین باعث اتخاذ رویکردی پیچیده و چندوجهی در قبال موضوع هسته‌ای ایران متأثر از عوامل اقتصادی، بین‌المللی، ملاحظات هسته‌ای و جایگاه منطقه‌ای و جهانی روسیه شد؛ به‌طوری که رفتارهای روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران و یا همراهی با غرب در اعمال تحریم علیه ایران را باید در قالب مؤلفه‌هایی نظیر کسب درآمد ارزی، مدیریت روابط با غرب، دکترین هسته‌ای روسیه و تأکید بر «ان. پی. تی.»^۱، نگرانی از ظهور یک رقیب منطقه‌ای، نگرانی از اقدام یکجانبه امریکا علیه ایران، نگرانی از تسلیم شدن ایران در برابر فشارهای غرب و قطع همکاری هسته‌ای با روسیه تحلیل کرد تا از تقلیل‌گرایی در فهم موضوع اجتناب شود (مولایی و زرگری، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۵).

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که دلیل اهمیت و تأثیرگذاری هر یک از این مؤلفه‌ها نیز به اصول و نقش‌های کلان سیاست خارجی روسیه برمی‌گردد که متأثر از گفتمان‌هایی نظیر غرب‌گرایی و اوراسیاگرایی در کنار عمل‌گرایی در دوره‌های مختلف بر سیاست خارجی این کشور حاکم شده و در اسناد سیاست خارجی این کشور نظیر «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه»^۲ در دوره‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند. مخالفت با یکجانبه‌گرایی و تعقیب چندجانبه‌گرایی، کوشش برای ایفای نقش قدرت بزرگ

1. NPT

2. Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران: .../ ۵۱

جهانی و ابرقدرت منطقه‌ای، حفظ جایگاه ابرقدرت هسته‌ای و مخالفت با گسترش تسلیحات هسته‌ای؛ از جمله مهم‌ترین اصول و نقش‌های مدنظر رهبران روسیه برای سیاست خارجی این کشور هستند (The Ministry of Foreign Affairs of Russian Federation, 2016).

در این راستا، دلایلی نظیر پذیرش روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی در روند مذاکرات هسته‌ای، تقویت چندجانبه‌گرایی، کنترل پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و رفع نگرانی‌های هسته‌ای و منطقه‌ای روسیه و مشروعیت‌بخشی به همکاری‌های هسته‌ای روسیه با ایران، به‌عنوان یک محرک اقتصادی؛ از جمله عوامل شکل‌دهنده به رویکرد روسیه در پذیرش «توافق هسته‌ای» و همکاری با ایران در روند اجرای آن محسوب می‌شوند که در چارچوب نقش‌های سیاست خارجی این کشور ملهم از گفتمان اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی قرار دارند. مواضع مسکو در دوران اجرایی شدن برجام در قبال این موضوع نیز متأثر از همین فرض و رویکرد است؛ به‌طوری که طی دوران اجرایی شدن برجام، مسکو همواره بر ضرورت حفظ و اجرای این توافق هسته‌ای تأکید داشته و حتی نقض این توافق و عدم تعهد به آن را خطر بزرگی معرفی کرده است (International Crisis Group, 2017).

جمع‌بندی

چنانکه در این نوشتار بیان شد، هرچند انگیزه‌های اقتصادی در آغاز دهه ۱۹۹۰ عامل مؤثر همکاری هسته‌ای روسیه با ایران در ساخت نیروگاه بود؛ اما پس از چند سال و متأثر از دیگر عوامل از سطح همکاری‌های روسیه با ایران کاسته شد. عوامل بین‌المللی و کنشگران ثالث نیز همواره تأثیر یکسان و مداومی در شکل‌دهی به رویکرد روسیه در این موضوع نداشته‌اند. همچنین، این عوامل دارای تأثیرات مثبت و منفی در رویکرد روسیه به موضوع هسته‌ای ایران در گذر زمان بوده و در همه دوره‌ها نیز روسیه اولویت‌های کشورهای ثالث

را اعمال نکرده است. لذا می‌توان بیان داشت عوامل اقتصادی و بین‌المللی نه تنها عوامل مؤثر در شکل‌دهی به رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران نبوده و در همه دوره‌ها از جمله ادوار نهایی مذاکرات و کسب توافق هسته‌ای تاثیرگذاری یکسانی نداشته‌اند؛ بلکه تاثیرگذاری آنها همسو با مؤلفه‌های دیگر دچار نوسان شده است و خود معلول عوامل دیگری در چارچوب کلان سیاست خارجی روسیه بوده‌اند؛ به‌طوری که برای درک و فهم رویکرد مسکو در قبال موضوع هسته‌ای ایران، این موضوع را باید در قالب چارچوب کلان سیاست خارجی روسیه و نقش‌های مدنظر رهبران این کشور و جایگاه ایران در رابطه با این نقش‌ها ارزیابی کرد. نکته شایان توجه، این مسأله است که نقش‌های سیاست خارجی روسیه نیز متأثر از نوع گفتمان‌های هویتی غالب در این کشور تبیین شده و منافع این کشور را در قبال موضوع‌هایی مانند برنامه هسته‌ای ایران تعریف کرده‌اند.

با گسترش نفوذ اوراسیاگرایی از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و همراهی عمل‌گرایی با آن، نقش‌هایی مانند قدرت بزرگ جهانی در کنار سایر قدرت‌ها، ابرقدرت منطقه‌ای و حفظ هژمونی در خارج نزدیک و ابرقدرت هسته‌ای برای سیاست خارجی روسیه تعریف شده‌اند. با توجه به چنین نقش‌هایی و درنظر داشتن انگیزه‌ها و منافع روسیه می‌توان بیان داشت عوامل اقتصادی و کسب درآمد ارزی، کوشش برای ایفای نقش قدرت بزرگ جهانی در موضوع هسته‌ای ایران به‌عنوان یک اختلاف بین‌المللی، کنترل افزایش احتمالی یا کاهش شدید قدرت و ثبات ایران در چارچوب رویکرد منطقه‌ای، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران در قالب دکترین منع اشاعه هسته‌ای روسیه و فشارهای دیگر بازیگران و کوشش مسکو برای مدیریت روابط با غرب در کنار هم و در برهه‌های زمانی مختلف روند برنامه هسته‌ای ایران، مجموعه عواملی هستند که به رفتارها و رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران شکل داده‌اند و تاکید صرف بر یکی از این عوامل به تقلیل‌گرایی و نادیده انگاشتن ابعاد دیگر سیاست خارجی روسیه منجر خواهد شد؛ همچنانکه در تبیین

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران: .../۵۳

مواضع مسکو در قبال توافق هسته‌ای و رویکرد کنونی آن در همراهی با اجرای برجام نیز باید به عوامل مختلفی نظیر انگیزه کسب درآمد ارزی، تقویت چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی، کوشش برای منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای و تعدیل فشارهایی نظیر احتمال حمله نظامی علیه ایران و بی‌ثباتی احتمالی در مرزهای جنوبی روسیه اشاره داشت.



منابع

- برچیل، اسکات و دیگران. (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران: انتشارات میزان.
- پریماکوف، یوگنی. (۱۳۹۱). *دنیا بدون روسیه؟*، مترجم: مؤسسه مطالعات ایران و روسیه (ایراس)، تهران: مؤسسه مطالعات ایران و روسیه (ایراس).
- جعفری، علی اکبر و رؤیا میرجلالی. (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال سیزدهم، ش ۵۱، صص ۱۵۵-۱۸۰.
- زرگری، هادی. (۱۳۸۷). «رژیم حقوقی دریای مازندران و آثار آن بر امنیت ایران»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۵۸-۲۵۷، صص ۷۴-۸۳.
- سجادپور، سیدمحمد کاظم. (۱۳۸۷). «عنصر بین‌المللی در روابط ایران و روسیه»، در: *روابط ایران و روسیه، مهدی سنایی و جهانگیر کرمی*، تهران: ایراس، صص ۱۷۲-۱۸۴.
- سنایی، مهدی. (۱۳۸۷). «روابط ایران و روسیه: مشکلات و دورنمای پیش‌رو»، در: *روابط ایران و روسیه، مهدی سنایی و جهانگیر کرمی*، تهران: ایراس، صص ۹-۲۵.
- شجاع، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۲). *سیاست روسیه در دریای خزر در دوره اوراسیاگرایان*، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- شوری، محمود. (۱۳۸۸). *ایران و روسیه؛ واکاوی گفت‌وگوها و نقش غرب*، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عسگریان، حسین. (۱۳۹۴). *چشم‌انداز روابط ایران و روسیه*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۸). *روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه*، تهران: مرکز

عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران: .../ ۵۵

چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۹). «روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۱۱-۱۳۶.

کولایی، الهه. (۱۳۸۴). «ایران و روسیه؛ فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها»، در: کتاب امنیت بین‌الملل ب (۲)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

_____ (۱۳۸۵). «روابط ایران و روسیه، تداوم و تغییر»، ایراس، سال اول، شماره اول، صص ۷۱-۸۵.

کولایی، الهه و محمد سلطانی‌نژاد. (۱۳۹۳). «مذاکرات هسته‌ای و منازعه ایران و امریکا؛ کنکاشی در نظریه بلوغ منازعه»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره چهارم، صص ۹۷-۱۲۵.

کولایی، الهه. (۱۳۹۳). «مذاکرات هسته‌ای، خزر و ... در گفتگوی ایسنا با الهه کولایی»، ایسنا، ۱۳۹۳/۷/۷، قابل دسترس در: <http://www.isna.ir/news/93070603516>

_____ (۱۳۹۴). «دلایل حضور روسیه در سوریه/ روسیه ایران را رقیب خود می‌داند»، خبرآنلاین، ۱۳۹۴/۰۷/۱۳، قابل دسترس در:

<http://www.khabaronline.ir/detail/464461/World/central-asia-caucuses>

_____ (۱۳۹۵). «ریشه‌ها و پیامدهای دگرگونی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه»، دومانه‌نامه چشم‌انداز ایران، ش ۹۸، تیر و مرداد ۱۳۹۵.

مامدوا، نینا. (۱۳۸۷). «مناسبات اقتصادی ایران و روسیه»، در: روابط ایران و روسیه، مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، تهران: ایراس، صص ۱۰۱-۱۱۲.

مجته‌دزاده، پیروز و احمد رشیدی‌نژاد. (۱۳۹۰). «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه

در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۸)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱-۳۶.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

مولایی، یوسف و هادی زرگری (۱۳۹۵). «روسیه و شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۹۴، صص ۱۰۳-۱۳۲.

سازمان توسعه تجارت (۱۳۹۵). منابع اطلاعات تجاری، روابط تجاری دوجانبه ج.ا. ایران با فدراسیون روسیه، شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در:

<http://farsi.tpo.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=5264&p=2&g=163&showitzem=4>

Aras, Bulent and Zay, Fatih (8888), "The Limits of the Russian-Iranian strategic alliance: its history and geopolitics, and the nuclear issue", The Korean Journal of Defense Analysis, Vol. 20, No.1, pp. 45-60

Belobrov, Yuri. (2014), Iranian Nuclear Issue: Resolution Underway, <http://russiancouncil.ru/en/analytcs-and-comments/analytcs/iranian-nuclear-issue-resolution-underway/>

Borozna, Angela (8888), "Russia's Friend- U... 's Enemy: Russia Foreign Policy toward Iran", presented at: The International Studies Association, March 2008

Giuli, Marco (111)), "Russia's nuclear energy diplomacy in Middle East", European Policy Center, www.epc.eu/documents/uploads/pub_7455_russiasnuclearenergydiplomacy.pdf, 21 Feb. 2017

International Crisis Group (ICG)), "Implementing the Iran Nuclear Deal: A Status Report", Report No. 333, <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/173-implementing-iran-nuclear-deal-status-report>, 16 Jan. 2017

Ivanov, IVOO and others (20)), "Modern Russian- Iranian Relations: Challenges and opportunities", Russian International Affairs Council (RIAC), Working Paper, Moscow, pp. 1-65

Kolae, Elaheh (8888), "Iran and Russia", Conference on Russia and Islam, Edinburgh, pp. 1-12

Kozhanov, Nikolay (2222), "Russia's Relations with Iran: Dialogue without Commitments", the Washington Institute for Near East Policy, Policy

кк вЛЛЛ ЛД(4444), ииийи-И:.... вввввуу ууууууууссвву у ууууууух
ааийий, <http://uecs.ru/uecs71-712014/item/3174-2014-11-24-09-13-10>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Influential Factors in Russia's Approach to Iran's Nuclear Program; From Bushehr Power Plant to Joint Comprehensive Plan of Action

Elaheh Kolaei: Professor in international relations, Tehran University.

Hadi Zargari¹ (corresponding author): Ph.D. in international relations, Tehran University.

Received on: 23.1.2018

Accepted on: 11.7.2018

Abstract:

Russia has been one of the most influential actors in the technical and political process of Iran's nuclear program but there are no identical views about Russia's viewpoint about Iran's nuclear program. In order to evaluate these views the present article raises the question as to what are the factors shaping Russia's technical and political approach and behavior towards Iran's nuclear program? In response to the above question authors propound the hypothesis that Russia's approach can be evaluated within the larger framework of Russia's foreign policy and Russia's global, regional and nuclear role which is influenced by identity discourse of this country. Therefore, Russia's consideration in foreign policy is multi-aspect which include its effort for playing a global, regional role and nuclear doctrine along with international and economic factors in different period of time. Thus the emphasis on only one of these factors leads to reductionism and cannot explain the change in Russia's attitude and behavior. The methodology used in the paper is descriptive-analytical by using library sources and conducting interview.

Keywords: Russia's foreign policy, Iran's nuclear program, economic factors, international factors, foreign policy's role.

1. zargari_hadi@ut.ac.ir